

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: دمیتري سدوف

برگردان از: ا. م. شیري

۲۸ جولای ۲۰۱۲

اسلام افراطي، به مثابه ابزار جهانی سازی

نباید از نظر دور داشت که در پشت سه حادثه تروریستی انجام گرفته تقریباً همزمان در نقاط مختلف جهان یک نیرو - اسلام افراطي ایستاده است. انفجار در وزارت امنیت سوریه که به مرگ چند تن از مقامات بلندپایه نظامی این کشور منجر شد، انفجار اتوبوس حامل سیاحان اسرائیلی در بلغارستان و سوءقصد به جان مفتی تاتارستان و قتل معاون او، در واقع، ریشه دوانی یک غده سرطانی محسوب می شوند...

اگر عملیات تروریستی در سوریه به نوعی با منطق بی رحم جنگ داخلی توضیح داده می شود، ولی انفجار در بلغارستان و روسیه گواه آنست که تروریسم به امر روزمره در هر نقطه جهان تبدیل شده است. به همین سبب، درک این مسأله لازم است که، هیچ سازمان تروریستی و هیچ تروریستی، بدون کمک و حمایت مالی خارجی، قادر نیست از عهده انجام عملیات پیچیده خرابکارانه بر آید.

منابع تغذیه تروریسم زیر پرچم اسلام، از مدتها پیش شناخته شده است.

این منابع، همان دواير دولتی عربستان سعودی و قطر هستند که برای مبارزه با رژیمهای «نامطلوب»، به تشکیل ارتش "ینی چری" تلاش و کوشش می کنند (ینی چری، مأخوذ از ترکی، یعنی ارتش پیاده نظام. مترجم). آنها امروز، پول و اسلحه مورد نیاز افراطیون متنفذ از رژیم دنیوی (سکولار. مترجم) بشار اسد و رژیم شیعه ایران را تأمین می کنند. آنها هم اکنون ارتش جنگنده پارتیزانی چندین هزار نفری را ساخته و سوریه را به گرداب هرج و مرج خونین کشانده اند.

این منبع، همان رژیم حاکم ترکیه است که برای حذف یک مرکز سیاست مستقل منطقه نی در سیمای بشار اسد و برای به زیر سلطه خود در آوردن سوریه تلاش می کند. ترکیه امروز، به سازمانده اصلی عملیات نظامی علیه سوریه تبدیل شده است. در نوار مرزی آن، مناطق حائل ایجاد شده که از طریق آنها سلاح و مزدور به داخل سوریه فرستاده می شود. ستاد شورشیان مسلح در ترکیه واقع است و عملیات به اصطلاح اپوزیسیون سوریه، در این ستاد هماهنگ می شود.

این منبع، همان باشگاه خصوصی ثروتمندان ایالات متحده آمریکا، انگلیس و فرانسه است که تصمیم گرفتند «دموکراسی» خود را به سوریه صار کنند. آنها از میان مهاجران سوری، سازمانهای سیاسی تحت کنترل خود را تشکیل دادند و برنامه به قدرت رساندن آنها در دمشق را تنظیم کرده اند.

همه این نیروها، در تقویت اسلامگرایی ذی نفع اند و اکنون برای به خاک و خون کشیدن دولت بشار اسد، ضربات خود را بر روی سوریه متمرکز ساخته اند تا راه برقراری «رژیم دموکراتیک» را هموار سازند.

در این واقعیت که ایجاد و گسترش هرج و مرج خونین، جزء لاینفک برنامه «اصلاحات دموکراتیک» غرب در سوریه است، از مدتها پیش جای هیچ شک و تردیدی باقی نمانده است. هیچ یک از کشورهای عضو ناتو به عنوان یک طرف درگیر جنگ، به مناسبت قتل فجیع چند تن از اعضای رهبری سوریه، پیام تسلیت به دولت سوریه نفرستادند. اما در آخرین جلسه شورای امنیت سازمان ملل متحد متشکله برای صدور قطعنامه در باره سوریه، نمایندگان غرب هیچ چیزی بهتر از حمله به روسیه با اتهام وقیحانه ای مبنی بر این که روسیه مقصر قتل روزمره مردم مطلقاً بیگناه در سوریه می باشد، نیافتند.

پروژه بزرگ جهانی سازی در سوریه، به دست اسلامگرایان به اجراء در می آید. بیهوده نیست که رسانه های جمعی غرب به راحتی بر جنگ تروریستی «القاعده» در سوریه چشم فرومی بندند. با این وجود، واقعیت به جای خود باقیست: القاعده برای تأمین منافع غرب می جنگد.

حیرت انگیز این است که طالبان دست پرورده آنگلساکسونها پس از آن که به یک نیروی مستقلی بدل شد، «والدین» خود را با دشواریهای زیادی مواجه ساخت. در واشینگتن و لندن نگران آن استند که فرار از افغانستان نمی تواند به معنی رهایی از چنگال این دشواریها باشد. و دشواری اصلی نیز حتی عبارت از «سورپرایزهای» نخواهد بود که، ظاهراً المپیک لندن منتظر آن است، بلکه، این است که طالبان به تسلیحات اتمی پاکستان دسترسی پیدا می کند. طالبی ها امروز پشتیبانی فکری بخش اعظم جمعیت پاکستان را در پشت سر خود دارند و از حمایت بزرگی در میان افسران ارتش برخوردارند. اگر یک حادثه جبران ناپذیری به وقوع بپیوندد، واشینگتن و لندن مجبور به اعتراف خواهند بود که افتادن بمب اتمی به دست طالبان، چیزی جز نتیجه سیاستهای ماجراجویانه آنها نیست.

البته که در پایتختهای جهان آنگلساکسونی امیدوارند که می توانند پس از در هم کوبیدن دمشق، این موج ویرانگر را به سمت تهران هدایت کنند. ولی هنوز معلوم نیست پس از غرق کردن سوریه، این سونامی در چه سمتی حرکت خواهد کرد.

تهیه کنندگان پشت پرده این تئاتر پیش بینی می کنند که بعد از چند مدتی موج اسلامگرایی حريم اتحاد شوروی سابق را در هم خواهد نوردید. پس از آن، همین که تهاجم افراطگرایی اسلامی در منطقه قفقاز شمالی در پشت مرزهای روسیه شکست بخورد، تأثیرات آن تا اعماق روسیه گسترش خواهد یافت. اقدام تروریستی در کازان (یا قازان، مرکز جمهوری خودمختار تاتارستان. مترجم)، به یک معنی، دارای مفهوم نمادین می باشد. به عبارت صریحتر، این اقدام می تواند به معنی آغاز تقابل مبارزان عقیدتی با اسلامگرایی در آن مناطق جغرافیایی باشد که تنشهای ملی و دینی بالقوه (فعلاً؟) به فاز مبارزه مسلحانه فرارنویده است. آیا این به معنی «فراهم کردن زمینه» برای حملات گسترده نیست؟ و اگر در مقابل آن عکس العمل قاطع و محکم نشان داده نشود، اوضاع می تواند به سرعت به وخامت بگراید.

در میان لیبرالها توهمی شایع است که گویا افراطگرایی اسلامی محصول فعالیت برخی مراکز دینی می باشد و هیچ ارتباطی با پروژه برقراری «نظم جدید» یک پارچه در جهان با مدیریت چند قدرت کنونی ندارد. و لیکن این توهمات در اثر اقدامات تروریستی، مثل حادثه قازان یا مانند قتل عام مردم نه تنها در مسکو، حتی در نیویورک و مادرید و دیگر شهرهای «جهان متمدن»، در هم خواهد ریخت. کسانی که امروز با تکرار جار و جنجالهای آنگلساکسونها در شورای امنیت سازمان ملل متحد، مسکو را به «بی مسؤولیتی» در قبال مسائل سوریه متهم می نمایند، خود را با مخاطرات تروریسم مواجه می سازند.

یادداشت مترجم:

احتمالا برخی از خوانندگان مقاله حاضر از تقسیم بندی منابع تغذیه تروریسم، چنین استنباطی داشته باشند که گویا دولتهای ترکیه، عربستان سعودی، قطر و همدیفان آنها بر اساس یک برنامه و سیاست مستقل (هر چند ارتجاعی) حرکت می کنند. اما، کلیه اسناد و شواهد تا کنونی و تجارب تاریخی و روزمره نشان می دهند که همه این دولتها، همواره دولتهای وابسته، فعال مایشاء و مجری بی چون و چرای سیاستهای استعمارگران غرب بوده اند و اقدام آنها در تأمین بودجه و تسلیحات ارتشهای مزدور و تروریسم بین المللی، طبق برنامه غرب متجاوز و با توافق کامل آن صورت می گیرد. عربستان سعودی، قطر، مصر، امارات متحده عربی و نظائر آنها که جای بحث ندارند، حتی اسلام و دولت «حزب عدالت و توسعه» (اخوان المسلمین) ترکیه، چیزی جز محصول و دستپرورده دولتهای امپریالیستی غرب و ایدئولوژی صهیونیستی غالب آنها نیست. بنا بر این، امروزه در جهان در حال تقسیم به دو اردوگاه متخاصم، هر کسی باید جایگاه خود را در دو سوی خط بین جبهه جنگ و استعمار، تجاوز و تروریسم بین المللی با جبهه صلح و استقلال، عدالت و آزادی مشخص نماید.

مترجم

<http://www.fondsk.ru/news/2012/07/20/radikalnyj-islamizm-instrument-globalizacii.html>

<http://eb1384.wordpress.com/2012/07/27>

۶ مرداد [اسد] ۱۳۹۱